

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۰۴ اکتوبر ۲۰۱۶

معنای حضور روسیه در مدیترانه

یک عده از صاحب نظران غرب فروپاشی شوروی را پایان نفوذ روسیه در شرق میانه و حوزه مدیترانه تلقی کردند. لکن بهار عرب بالاخص بحران سوریه همه نظرات این گروه را دگرگون ساخت. این روسیه نیست که در شرق میانه باخت داشته، بلکه این امریکا است که تسلط و حاکمیت متداومش در شرق میانه زیر سؤال رفته است. روسیه "پونین" دیگر آن روسیه "یلتسین" نیست که امر و نهی و اشنگنن را بپذیرد. روسیه دوباره خود را در شرق میانه احیاء نموده و کشتی های جنگی و تجارتي اش در بحیره مدیترانه بدون مانع در حال مانور و گشت و گزار است.

قوای بحری روسیه به شمول تحت البحری های این کشور در آب های شرقی و غربی مدیترانه رفت و آمد دارند و بدون دغدغه و مانع به همان پیمانۀ دوره شوروی در حال جلوه گری اند. بحران سوریه و مداخلۀ غرب به نفع نیرو های تندرو ضد "بشار اسد" در این کشور، برای روسیه بهترین فرصت را برای تبارز دوباره در شرق میانه مهیا ساخت که حتا در تصور ستراتیژیست های غرب هم نمی گنجید. روسیه قوای هوایی خود را به سوریه فرستاد و تیاثر این کشور را به نفع "اسد" در حال سقوط تغییر داد. این بزرگترین موفقیت ستراتیژیک روسیه و بدترین ناکامی ستراتیژیک امریکا در منطقه شمرده می شود. بمباران مواضع تند روان اسلامی ضد "اسد" توسط جت های جنگنده روسیه، توازن قواء را به نفع نظام مستقر در سوریه تغییر داده و مواضع "اسد" را در تقابل با مخالفان تقویت نموده است. واقعاً اگر مداخلۀ روسیه در سوریه نمی بود، "اسد" ماه ها قبل در کنجی خزیده بود.

روسیه در آغاز موفق شد که بندر تارتوس را در سوریه نسبت به گذشته بهتر ساخته تا لنگر انداختن کشتی هایش به کدام مانع برنخورد. موفقیتش در اعمار دو بندر دیگر در سوریه، مسکو را جسور تر ساخته تا در سواحل سایر کشور های حوزه مدیترانه مانند جنوب ایتالیه و فرانسه ظاهر شود. گزارش ها می رساند که یک تحت البحری روسیه در نواحی بندر نظامی تولون فرانسه دیده شده است. اگر این گزارش درست باشد، در واقعیت یک جسارت بزرگ سیاسی و نظامی برای روسیه محسوب می گردد. در یکی از نقاط دیگر مدیترانه، الجزایر به قوای بحری روسیه و چین اجازه داده است که می توانند از بندر مرس الکبیر استفاده نمایند. در آوانی که ناتو در صدد پخش نفوذش در شمال افریقا است و حبشه تخته خیز این پیمان در این قاره شده است، تظاهر نظامی روسیه در قاره سیاه معنای خاص خود را دارد. روسیه بیش ازین مایل نیست که تحقیر غرب را بپذیرد و غرور خود را زیر پا کند. باجود تعزیرات مدهش اقتصادی علیه روسیه نسبت بحران اوکراین، روسیه همچنان می تازد و می تازد.

از نظرگاه مسکو، غرب تصمیم داشت که به همکاری عربستان، اسرائیل، ترکیه و کشور های خلیج فارس، سوریه را منهدم سازد و آن را مانند عراق پارچه پارچه نماید. سپس لبنان و سرانجام ایران را از پا درآورده و همه شرق میانه را کلاً در تسلط خود گیرد و روسیه را برای همیشه از این منطقه جهان دور سازد. مسکو معتقد است که مقاومت سوریه یک نقطه عطف در پالیسی امریکا نسبت به این کشور است. گروه های تندرو اسلامی مورد حمایت غرب در حال شکست اند و نظام "اسد" آهسته آهسته اما متداوم دست بالا یافته است. نیرو های اسلامی مورد حمایت غرب بعد از تونس و لیبیا، به سوریه روی آوردند تا به امر غرب نظام "اسد" را از بیخ برکنند و نقشه شرق میانه را برای همیشه عوض نمایند. نتیجه مداخلات غرب و سایر کشور های دست نشانده امریکا در شرق میانه، یک جنگ داخلی تماماً عیار است که سوریه اکنون به آن مواجه است.

همین بحران سوریه بود که بهترین فرصت را برای احیای نفوذ از دست رفته روسیه در منطقه داد. امروز روسیه در مورد بحران سوریه از یک موضع بهتر نسبت به امریکا حرف می زند. روسیه عاشق روی "اسد" نیست، اما در حفظ نظام "اسد"، تداوم نفوذش را در شرق میانه می جوید. سوریه همچنان با زرنگی و به منظور حفظ توازن، به چین هم اجازه داده است که در نزدیک بندر تارتوس که مورد استفاده قوای بحری روسیه است، می تواند به اعمار یک بندر دیگر برای خود اقدام نماید. این برای غرب بسیار درد آور است که چین هم در تیاتر سوریه و شرق میانه داخل شده و توازن را به ضرر غرب به هم می زند. همکاری مسکو و بیجینگ غرب را در التهاب قرار داده و سرآغاز کسوف نفوذش را در افق شرق میانه از دور مشاهده می کند. در مجموع بحیره مدیترانه بعد از این در انحصار غرب نخواهد بود، بلکه کشتی های نظامی روسیه و چین هم در این منطقه ستراتیژیک جهان بی ترس گشت و گذار خواهند کرد.

نباید بحران سوریه و اعزام کشتی های جنگی روسیه را به سوی حوزه مدیترانه طور مجرد مورد تحلیل قرار داد. همانطوری که غرب، روسیه را در اوکراین زیر فشار قرار داده است، روسیه غرب را در شرق میانه خصوصاً در سوریه و حوزه مدیترانه به مبارزه طلبیده است. بحرانات جهانی باید به دقت مورد ملاحظه قرار گرفته تا روابط بحرانات را با یک دیگر درک کرد. در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۳، امریکا و فرانسه تصمیم گرفتند که کار سوریه را یک طرفه سازند. همان بود که سیل راکت ها از یک مرکز ناتو در ایتالیه به سوی سوریه به پرواز درآمد، اما رادار های روسیه و قوای بحری این کشور در سوریه، آنها را در فضاء منهدم ساختند. مسکو از قبل می دانست که امریکا و فرانسه در صدد انهدام نظام "اسد" اند و به خاطر حمایت "اسد" و حفظ منافعش آمادگی لازم را گرفته است. روسیه به ناتو و کشور های غرب اخطار داد که تصرف سوریه را تحمل نخواهد کرد و نه به غرب اجازه خواهد داد که این کشور را مانند عراق و لیبیا منهدم نمایند. از همین نقطه به بعد بود که غرب به نیت روسیه در شرق میانه پی برد و فهمید که مسکو در قسمت سوریه تسلیم غرب نخواهد شد.

مداخله روسیه در سوریه ظاهراً به نفع "اسد" اما در واقعیت به منظور حفظ منافع این کشور در منطقه بوده است. مسکو با حوصله مندی توانست هم خود را در منطقه احیاء نماید و هم غرب را کشت و مات دهد. امریکا و ناتو حال خوب می دانند که بازی با "پوتین" کار ساده نیست، البته که غرب هم آرام نخواهد نشست. علایم اعمار مراکز ناتو در اروپای شرقی یعنی زیر زنج روسیه مشاهده می شود که برای مسکو نهایت درجه تخریش کننده خواهد بود.